

# جمهوری اسلامی و صندوق بین المللی پول همکاری یا فرمان پذیری؟

بهره مند شود. محمد رضا عارف در بخشی از سخنان خود در دیدار با مقام بلند پایه صندوق بین المللی پول از جمله خاطر نشان ساخت: "... امید است که واقعیتهای اقتصادی ایران در گزارشات صندوق بین المللی پول جهت تعامل بیشتر منعکس شود، سلاح قوانین مادر، بازنگری در قانون جلب سرمایه گذاری خارجی و مالیاتها و یکسان سازی، نرخ ارز، کاهش تصدی گری دولت، خصوصی سازی، حذف موانع غیر تعرفه ای در امر واردات،

در اواسط تابستان امسال، محمدرضا عارف، معاون اول رئیس جمهور، طی دیداری با ژرژ آبد، رئیس بخش خاورمیانه و خلیج فارس صندوق بین المللی پول، بر علاقمندی رژیم ولایت فقیه به گسترش روابط با این نهاد قدرتمند سرمایه داری جهانی تاکید کرد. معاون اول محمد خاتمی، در جریان این ملاقات با ارائه گزارش مبسوطی در باره اوضاع اقتصادی کشور و اقدامات انجام پذیرفته در زمینه اصلاح ساختار اقتصادی، ابراز امیدواری کرد که، جمهوری اسلامی بیش از گذشته از رهنمودها و نیز امکانات مالی و کارشناسی صندوق بین المللی پول،



شماره ۶۴۳، دوره هشتم  
سال نوزدهم، ۲۶ شهریور ۱۳۸۱

ادامه در صفحه ۴

## محاسبات غلط و سردرگمی حکومتیان در مواجهه با جنبش دانشجویی

برگزاری موفقیت آمیز اردوی سالیانه دفتر تحکیم وحدت (منتخب علامه) در هفته گذشته بررغم کارشکنی های آشکار و پنهان مقامات حکومتی، عکس العمل های گوناگونی را نسبت به آینده جنبش دانشجویی برانگیخت. به نظر می رسد کمتر کسی از حکومتیان باور داشت که اردوی مزبور بتواند برگزار شود و به همین منظور سردرگمی در بین سرکوب گران و مامشات طلبان در اظهارات هفته قبل خویش کاملاً مشهود بود. اولین نکته ای که در میان اصلاح طلبان کاملاً آشکار بود، یافتن جایگاهی شایسته در میان جنبش دانشجویی به دنبال شرکت افرادی همچون نبوی و مزروعی در نشست ساری بود. اما همین تلاش با اظهارات ضد و نقیض سوالات و ابهاماتی را برانگیخت که نیازمند بررسی است. اولین واکنش با انتشار بیانیه تعدادی از نمایندگان مجلس بروز پیدا کرد. تاجرنیا، حقیقت جو، میثم سعیدی، موسوی خوینبی، و یوسفیان بیانیه ای با عنوان "نمایندگان جنبش دانشجویی در مجلس صادر کردند. نکته

ادامه در صفحه ۲

### در این شماره

- "بیع متقابل"، تاراج منابع ملی، حذف توانمندی های داخلی در ص ۳
- بدرود رفیق ناصر سراجی در ص ۳
- غرفه "نامه مردم" در فستیوال احزاب برادر در ص ۵

## سیاست های ماجراجویانه و خطرناکی که منطقه خاورمیانه را به شدت تهدید می کند

مفسران سیاسی در بررسی سخنرانی بوش در سازمان ملل متحد، از جمله اشاره کرده اند که بخش عمده یی از سلاح های شیمیایی و امحای جمعی عراق، در دهه هشتاد، و در دوران جنگ ایران و عراق توسط غرب و خصوصاً آمریکا و انگلیس در اختیار دولت صدام حسین قرار داده شده بود. نکته اساسی که در سخنرانی جورج بوش در سازمان ملل قابل تأمل است این مسأله است که به نظر می رسد دولت آمریکا تصمیم قطعی خود را برای حمله نظامی به عراق اتخاذ کرده است و اکنون مترصد است تا با زیر فشار قرار دادن کشورهای همسایه عراق و سازمان ملل متحد و با دادن اولتیماتوم به شورای امنیت، برای اقدامات ماجراجویانه و جنگ طلبانه خود مشروعیت بین المللی دست و پا کند.

بر اساس گزارش خبرگزاری سی.ان.ان، کالین پاول، وزیر امور خارجه آمریکا، روز یکشنبه ۲۴ شهریور ماه، ضمن رد کردن سخنان طارق عزیز، معاون نخست وزیر عراق، در زمینه شرایط این کشور برای بازگشتن هیئت بررسی سازمان ملل به عراق، اعلام کرد که تنها قبول بدون قید و شرط عراق در زمینه بازگشت هیئت

ادامه در صفحه ۶

جورج بوش، رئیس جمهوری آمریکا، در سخنرانی که روز ۲۲ شهریور ماه در مجمع عمومی سازمان ملل متحد بیان کرد، ضمن ارائه کارنامه یی از اعمال دولت صدام حسین در عراق، این دولت را خطری جدی و فوری برای صلح جهانی معرفی کرد و اعلام کرد که دولت ایالات متحده در صورت عدم برخورد سازمان ملل متحد، رسماً اقدامات لازم را جهت ساقط کردن دولت صدام حسین انجام خواهد داد. جورج بوش در این سخنرانی از جمله گفت: "دوران صبر و حوصله دیگر به پایان رسیده است... صدام حسین تا کنون ۱۶ بار خواست های سازمان ملل متحد را زیر پا گذاشته است. سازمان ملل یا قادر خواهد بود که به وظایف خود به عنوان نیروی حافظ صلح، در قرن بیست و یکم، عمل کند و یا به نهاد نامربوطی در عرصه بین المللی تبدیل خواهد شد... اشتباه نکنید. اگر لازم باشد دولت آمریکا رسماً در این زمینه اقدام خواهد کرد."

جورج بوش در سخنرانی خود اشاره نکرد که سلاح های خطرناک امحای جمعی، از جمله سلاح های شیمیایی دولت عراق چگونه در اختیار این کشور قرار گرفته است. بسیاری از

گردهمایی زمین: شاهدی نو بر تضاد سرمایه داری  
و حفظ محیط زیست  
در صفحه ۸

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

## ادامه مجاسبات غلط و سردرگمی حکومتیان . . .

کلیدی این بیابنه انتقاد از اصلاح طلبان حکومتی بود که در آن آمده است: "ما به جریانات سیاسی درون جبهه اصلاحات هشدار می دهیم که اجازه ندهند برخورداری که در سالیان گذشته اقتدارگرایان مبنی بر عدم وقع نهادن به خواسته های اکثریت مردم صورت پذیرفت، توسط برخی شخصیت های درون جبهه اصلاحات در مواجهه با اراده اکثریت تشکل های دانشجویی تکرار گردد و این شائبه را دامن زند که رویکرد آن ها به شعارهای مردم سالارانه از سر فشار جریانات مخالف بوده و نه قبول چارچوب هایی مبنی بر خواست اکثریت! از باب مثال زمانی که ذایقه و مطالبات اکثریت دانشجویان یا تشکل های دانشجویی باب میل قرار نگرفت، رفتار مشابه اقتدارگرایانه با آنان در پیش گرفته شود! (ایسنا، ۱۶ شهریور) به نظر می رسد اختلاف نظر در ارتباط با چگونگی برخورد با جنبش دانشجویی، بین جناح های حکومتی حساسیت ویژه ای برانگیخته است. میردامادی ضمن بی نتیجه دانستن اقدامات اخیر برای موازی سازی در جنبش دانشجویی، آن را تجربه ای ناموفق دانست و گفت: "در ابتدای دهه ۷۰، کسانی که در وزارت اطلاعات با این تحلیل که دفتر تحکیم وحدت به عنوان جریان غالب در دانشگاه منتسب به جناح چپ می باشد و این جریان مطابق میل و دیدگاه های سیاسی آنها عمل نمی کند، خودشان به فکر ایجاد یک جریان چپ موازی در دانشگاه افتادند. آنان فکر می کردند که اقدام آنها یک شاهکار است، به همین دلیل، دو سالی هم از جریان ساختگی خود حمایت کردند اما به تدریج آن جریان دست ساخته به یک جریان ضد حکومت تبدیل شد که تندترین شعارها را علیه حکومت و حاکمیت مطرح می ساخت." میردامادی در ادامه گفت: "اگر افراد و جریان هایی از حاکمیت و بیرون دانشگاه بخواهند بدون شناخت از واقعیت های درون دانشگاه در محیط های دانشگاهی جریان سازی کنند، شکست خواهند خورد."

میردامادی در ادامه با اشاره به تشکیل و برپایی تشکل دفتر تحکیم وحدت در اوایل انقلاب و برپایی آن، وضعیت قبلی را پایان یافته تلقی کرده و می گوید: "امروز، جریان دانشجویی به دنبال آن نیست که خود را به حاکمیت متصل سازد و از آن مشروعیت بگیرد. امروز جریان دانشجویی خود را مستقل می داند و معتقد است که در محیط های دانشگاهی مشروعیت دارد." در یک اظهار نظر دیگر که در سایت "رویداد" انتشار یافت، خدایاری معاون دانشجویی دانشگاه تهران، بروز انتقاد و بدبینی در میان طیف اکثریت تحکیم وحدت نسبت به جبهه دوم خرداد را به دنبال حضور چهره های شاخص این جریان در نشست ساری طبیعی خواند و گفت: "انتقاد طیف اکثریت تحکیم آن است که اقلیت از طرف بخشی از حاکمیت مورد حمایت های مالی، تبلیغاتی و امنیتی قرار دارد اما از طیف اکثریت هیچ حمایتی نمی شود. آنها از دوم خردادی ها می پرسند که چه طور اعلام بی طرفی می کنید اما حاصل مواضع شما به سود طیف اقلیت تمام می شود؟" خدایاری وضعیت کنونی جنبش دانشجویی بخصوص تحولات اخیر را "مرزبندی اکثریت جنبش دانشجویی با جریان اصلاحات" دانست و گفت: "کسانی که حرف هایشان نزد دانشجویان شنونده دارد، باید بگویند که این شکاف گسترده نشود چرا که این روند نه به سود اصلاحات، نه نظام و نه کشور است."

آن چه مشخص است تحولات اخیر در جنبش دانشجویی میهن، قاعدتا نباید نگرانی و دلشغولی اصلاح طلبان واقعی را به دنبال داشته باشد. جنبش دانشجویی در پس یک مبارزه شدید و تحمل فشارها و سرکوب های گسترده آگاهانه، شجاعانه و مصمم در پی راهیافت های واقعی به منظور تحقق خواسته های خویش و جنبش مردمی است. ما اعتقاد کامل داریم جنبش دانشجویی نیازمند راهنمایی های مخرب قبلی نیست و به روشنی راه خویش را بازیافته است و در این مسیر فعالان سیاسی که همگام با خواسته های جنبش قدم برمی دارند مورد حمایت قرار خواهند گرفت و مابقی همانطور که جریانات اخیر نشان داد از صفوف جنبش مردمی طرد می شوند. ما بر خلاف عقیده خدایاری که تحولات اخیر را "مرزبندی جنبش دانشجویی با جنبش اصلاحات" قلمداد می کند معتقدیم تحولات اخیر مرزبندی جنبش دانشجویی با نیروها و افرادی است که خواستار تعمیق یا عدم تعمیق جنبش اصیل دانشجویی هستند. جنبش دانشجویی به خوبی پی برده است که مطمئن ترین تکیه گاه برای مصون ماندن از تعرضات بیشتر تکیه و ایمان به توده ها است. مساله ای که سرکوب گران و مآشات طلبان در طول چند سال گذشته هراس خویش را از آن نشان داده اند.

## ادامه بیع متقابل . . .

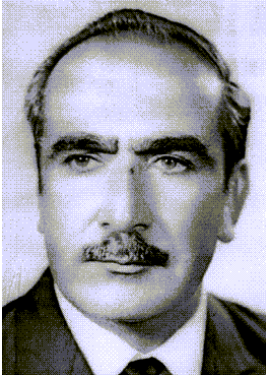
قرارداد بیع متقابل ظاهرا استعماری است. به دلیل ضعف کارشناسی در وزارت نفت، این وزارت خانه قادر به چانه زنی در تنظیم قراردادهای قوی نیست، به طوری که ملت ایران باید با نرخ بهره زیادی، این سرمایه را بازپرداخت کند. "از اتفاقات جالب و افشاگرانه دیگری که اخیرا روی داد مربوط به پخش يك سریال تلویزیونی بوده است که در آن به فداکاری و قابلیت های کارگران ایرانی در حوزه های نفتی پرداخته است و به دلایل کاملا مشخص از پخش آن جلوگیری شده است و همین امر مورد اعتراض کارکنان صنعت نفت جنوب قرار گرفت. روزنامه اعتماد ۲۰ شهریور، در این باره می نویسد: "مدیر کل روابط عمومی وزارت نفت به گلایه جمعی از کارکنان صنعت نفت جنوب که با ارسال نمایی به ایسنا از صدا و سیما بخاطر توقف پخش سریال تلویزیونی "حماسه چاه پنجاه" انتقاد کرده بودند، پاسخ گفت. نعمت الهی با استناد به بخشی از این نامه گلایه آمیز کارکنان صنعت نفت جنوب، گفت: "وزارت نفت هیچگاه در صدد نبوده تا توانمندی های فنی پرسنل خود را پنهان کند. تمام تلاش وزارت نفت معطوف به ارتقای توانمندی های داخلی و برنامه ریزی برای معرفی این توانمندی هاست. دلیل این ادعا پروژه های مهم نفتی به نیروی های متخصص داخلی است. به لحاظ قانونی وزارت نفت نمی تواند جلوی پخش سریال ساخته شده توسط گروه روایت فتح را بگیرد." در نمابر ارسالی از سوی کارکنان صنعت نفت جنوب تصریح شده است: "موسسه فرهنگی روایت فتح با همکاری کارشناسان نفت جنوب يك سریال سه قسمتی تحت عنوان "حماسه چاه ۵۰" را تهیه کرده که قسمت اول آن در تاریخ ۳۱ مرداد سال جاری از شبکه يك سیما پخش شد، اما پخش قسمت های بعدی این سریال به دلیل آنچه که آن را سر دادن داعیه ناتوانی متخصصان ایرانی برای اجرای طرح های بزرگ نفتی از سوی عده بی از عناصر وابسته به شرکت های خارجی خوانده اند، متوقف شد." نگاهی به سخنان مدیر کل روابط عمومی وزارت نفت مبنی بر استفاده از توانمندی های متخصصان داخلی در پروژه های بزرگ نفتی را با سخنان وزیر نفت مقایسه کنید تا تمامی دروغ بافی های آنان آشکار شود. سیاست های آشکارا ضد ملی در این عرصه حیاتی آنچنان خشم افکار عمومی را برانگیخته که مقامات مسئول را در تنظیم گفته های ضد و نقیض خویش دچار دردسر و مشکل ساخته است. در هر صورت آن چیزی که کاملا مشخص شده است این است که رژیم حاکم با يك برنامه ریزی از قبل طرح شده، تاراج منابع ملی میهن به نفع غارت گران خارجی و در جهت منافع مشتى چپاولگر داخلی را تدارك دیده است. نگاهی به بخشی دیگر از صحبت های دکتر رفیعی لزوم افشاگری و بسیج افکار عمومی در این زمینه را دوچندان می سازد. وی در هماجبا با ایسنا می گوید: "در مجموعه وزارت نفت طی ۲۰ سال گذشته، به دلیل مهاجرت و بازنشستگی متخصصان، کادر غیر متخصص وزارت نفت افزایش یافته، به طوری که ۸۳ درصد از پرسنل نفت دیپلم و زیر دیپلم و تنها ۱/۵ درصد از پرسنل این وزارتخانه دارای مدرک بالای لیسانس هستند." همزمان با عقد قراردادهای اسارت بار به ضرر منافع ملی، حاکمان کنونی با بی توجهی عمدی به مساله آموزش و به کارگیری متخصصان داخلی زمینه توجیحات ضد ملی خویش را نیز فراهم می آورند. مساله نفت به دلیل اینکه نقشی مهم و حیاتی در اقتصاد ایران ایفا می کند از منظر های مختلفی مورد توجه حاکمان، غارت گران خارجی و مردم ایران قرار گرفته و می گیرد. آن چیزی که محرز است سیاست های کنونی در عرصه صنعت نفت به طور حتم و یقین دربرگیرنده منافع ملی ایران نیست. اما سمت و سوی سیاست های کنونی علاوه بر موقعیتی که نصیب غارت گران خارجی می کند از این رو باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد که ادامه این روند، مشکلات و وضعیت بسیار پیچیده ای را به وجود می آورد که حتی در صورت وجود و روی کارآمدن يك دولت ملی، اثرات مخرب درازمدتی را نصیب مردم میهنمان خواهد کرد. افشاگری و مقابله با سیاست های مخرب و ضد ملی رژیم در عرصه نفت و گاز به عنوان بزرگ ترین و حیاتی ترین منبع زیر زمینی کشور باید با حساسیت و توجه بیشتری از سوی نیروهای مترقی و دوستدار میهن دنبال شود.

## "بیع متقابل"، تاراج منابع ملی، حذف توانمندی های داخلی

یکی از مواردی که در طول سالیان اخیر، همواره مورد بحث و جدل بوده است، سیاست های وزارت نفت یا بهتر است بگوییم کل حاکمیت جمهوری اسلامی، در رابطه با بهره برداری از بزرگترین منابع زیرزمینی میهنمان بوده است. در طول سالیان گذشته به موازات سیاست های مخرب و ضد ملی رژیم، مسئله "قراردادهای بیع متقابل"، یکی از این مواردی بوده که به دلیل در هم تنیدگی آن با منافع ملی و کل جامعه ایران، بخصوص آنجایی که منافع زحمتکشان و کارگران میهن را مورد تهدید قرار می دهد، با حساسیت ویژه ای دنبال و بدان عکس العمل نشان داده شده است. اخیراً بیژن نامدار زنگنه در مصاحبه ای که با ایسنا، ۸ شهریور داشته است با پشتیبانی از "قراردادهای بیع متقابل"، قراردادهای موجود را بهترین نوع قرارداد قلمداد کرده است. وی در این باره گفت: "این نوع قراردادها اهداف تعیین شده نظیر اشتغال و استفاده از بهترین تکنولوژی دنیا برای تولید و صیانت از میدان های نفتی، استفاده از مدیریت، بهره برداری مناسب از منابع و افزایش کارایی و کیفیت فعالیت ها را محقق ساخته است." زنگنه با اشاره به اینکه در حال حاضر امکان این عملیات در کشور وجود دارد اما با ریسک های فراوانی مواجه است، گفت: "یک دسته شرکت های خارجی هستند که با وارد کردن تکنولوژی به حفاری می پردازند و از محصول — یعنی تولید — هزینه سرمایه گذاری خود را با سود برداشت می کنند. دسته دیگر شرکت های ایرانی هستند که می توانند با استفاده از امکانات (دانش، تکنولوژی) خارجی با قبول کلیه مسئولیت ها و ریسک ها به فعالیت بپردازند. این در حالی است که سپردن این نوع فعالیت ها به شرکت های داخلی تعهدات سنگین میلیاردری را به کشور تحمیل می کند، در صورتی که انعقاد قرارداد با خارجی ها تعهدات را به آنها واگذار می کند و ما تعهدی نسبت به آنها نداریم." به نظر می رسد زنگنه با توجه به فشارهای فزاینده ای که در این رابطه وجود دارد و یکی از آنها مربوط به چرایی عدم استفاده از متخصصان و امکانات داخلی است، به توجیهاتی متوسل می شود و می گوید: "تقویت شرکت های داخلی و انعقاد قرارداد با آنها ممکن است، چرا که سود حاصله از نفت به قدری است که اگر ۴۰ درصد اهداف طرح هم تحقق یابد، آنها از نظر اقتصادی، در بازپرداخت تعهداتشان مشکل نخواهند داشت." اما باز با چرخش به همان سمت و سوی قبلی می گوید: "سالهاست که هزینه هنگفتی برای فن آوری جهت بازیافت در نظر گرفته شده، چرا که معتقدیم همزمان با انعقاد این قراردادها باید هزینه و انرژی مناسبی برای آموزش افراد متخصص در داخل و اعزام آنها به خارج برای استقلال و انتقال دانش و فن آوری جدید دنیا صرف شود. بنابراین برای ایجاد بستر مناسب جهت انتقال فن آوری و افزایش سطح کیفی و توانایی متخصصان با شرکت های خارجی قرارداد بسته ایم." به نظر می رسد یکی از ترفندهای موجود برای مقابله با مخالفت های فزاینده کنونی توجیه انتقال تکنولوژی و فن آوری از شرکت های خارجی به متخصصان داخلی باشد. قبل از اینکه این دروغ گویی آشکار را مورد بررسی قرار دهیم باید دید که اصولاً قرارداد بیع متقابل چیست؟ حیات نو، شنبه ۲۳ تیرماه ۱۳۸۰ در این باره می نویسد: "بیع متقابل در اصطلاح به محتوای قراردادی گفته می شود که وجه معامله آن محصول اجرای پروژه مورد قرارداد باشد، اما در عمل نوعی استقراض منابع مالی تجهیز سرمایه و انجام طرح توسط پیمانکار خارجی است که بهای پروژه از طریق دریافت محصول آن بازیافت می شود. به این ترتیب این شیوه قرارداد به پیش فروش محصول نفت می انجامد." زنگنه همانجا در مصاحبه با روزنامه مذکور بار دیگر بر مساله فن آوری و انتقال تکنولوژی تاکید می کند و می گوید: "وزارت نفت، در عقد قراردادهای بیع متقابل سه هدف اصلی را برای اجرای طرح های توسعه میداین نفتی و گازی کشور دنبال می کند که انتقال فن آوری روز دنیا با به کارگیری این روش، مهم ترین این اولویت ها به شمار می رود."

مدت ها پیش در منطقه نفتی "عسلویه" درگیری بزرگی بین کارگران ایرانی و کارگران خارجی که عمدتاً هندی هستند روی داد که ریشه های آن در برخوردهای تبعیض آمیزی است که بین این کارگران صورت می گیرد. یکی از موارد مذکور اعتراض به این امر بود که چرا حقوق کارگران خارجی به صورت ارز خارجی پرداخت می شود و حقوق کارگران ایرانی به صورت ریالی، در حالی که همه کارگران مزبور تحت استخدام شرکت نفتی خارجی بوده اند. این یادآوری از آن نظر شد که باید این نکته را مورد تاکید قرارداد که شرکت های نفتی خارجی علیرغم اینکه تمام سعی و اهتمامشان معطوف به چپاول هر چه بیشتر منابع ملی دیگر کشورها می باشد، در هر عرصه ای که مجبور شوند عقب نشینی خواهند کرد به جز انتقال فن آوری. درگیری در منطقه "عسلویه" صرف نظر از رفتارهای آشکارا استثمار و تبعیض آمیز به خوبی نشان می دهد که این شرکت ها بسیار دقیق و با برنامه ریزی قبلی اجازه ورود به این حریم ها را نخواهند داد. به کارگیری کارگران خارجی (که عادتاً نوع کار کردن آنها نیز موقتی می باشد) در قسمت هایی که مربوط به امور

## بدرود رفیق ناصر سراجی



سازمان دهی دهقانان محروم کشور ما پرداخت.

رفیق سراجی مبارزی شجاع و صریح، انسانی شوخ طبع، نیک نفس، پر همت و با نشاط بود. رفیق تا آخرین روزهای عمر پر بارش پرتلاش و خستگی ناپذیر در راه تحقق آرمان های حزب توده ایران رزمید. دوستان و همزمان رفیق سراجی با درگذشت او، رفیقی مهربان و مبارزی آزموده و با تجربه را از دست دادند. نام رفیق ناصر سراجی در دفتر خدمتگزاران خلق و جنبش زحمتکشان ایران ثبت است. ما درگذشت رفیق ناصر سراجی را به خانواده، دوستان و رفقای حزبی او صمیمانه تسلیت می گوئیم. یادش گرامی و راهش پر رهرو باد.

با اندوه و تأسف فراوان مطلع شدیم که رفیق ناصر سراجی، از چهره های پرسابقه جنبش کارگری میهن مان، پس از نزدیک به شصت سال کار و پیکار در صفوف حزب توده ایران، در سن ۷۴ سالگی، در مهاجرت، در شهر استکهلم، زندگی را به درود گفت. رفیق ناصر سراجی، در تاریخ ۲۵ خرداد ۱۳۰۵، در یک خانواده مرفه، در رشت دیده به جهان گشود. رفیق سراجی در سنین جوانی با زندگی فلاکت بار مردم تحت ستم میهن ما آشنا شد و با گسست از طبقه اجتماعی که به آن تعلق داشت گام در راه مبارزه در راه آرمان های طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ما گذاشت. رفیق سراجی پس از پیوستن به حزب توده ایران در شعبه دهقانی حزب به

حساس می باشد و به کار گماری کارگران ایرانی در مشاغل غیر حساس و کم اهمیت ناشی از همین حساب گری است. البته این مساله بی نیست که از دید زنگنه و دیگر مقامات حکومتی پنهان مانده باشد، چرا که با توجه به رشد فزاینده بیکاری و نیاز به کار، از دید منافع ملی، ناپستی با حضور کارگران خارجی موافقت می گردید. دکتر محمد حسین رفیعی، استاد دانشکده علوم دانشگاه تهران در مصاحبه با ایسنا، ۹ دی ماه ۷۹ به نکته جالبی اشاره می کند و اظهار می دارد: "در کشوری که سابقه یک صد ساله در امر اکتشافات، استخراج و تصفیه نفت دارد، روی کردن به بیع متقابل با استدلال نبود تکنولوژی، سرمایه و مدیریت، نهایت ضعف مدیریتی محسوب می شود."

ادامه در صفحه ۲

**آزادی برای همه زندانیان  
سیاسی ایران!**



ادامه جمهوری اسلامی و صندوق بین المللی پول . . .

آزادسازی بازرگانی خارجی و صادرات؛ از جمله مهمترین سیاستهای جدی برنامه سوم توسعه در راستای اصلاح ساختار اقتصادی هستند که مکمل آن سیاست هدفمند کردن یارانه ها، حذف معافیت‌های بخش دولتی و کاهش تسهیلات تکلیفی دولت می باشد. دولت در صدد آنست که با انضباط مالی و پولی، کسری بودجه خود را به صفر برساند . . .

ژرژ آبد نیز ضمن استقبال از اقدامات رژیم ولایت فقیه در عرصه های گوناگون اقتصادی- اجتماعی، با صراحت متذکر شد: "یکسان سازی نرخ ارز، حذف قوانین مغایر با تشویق سرمایه گذاری و اصلاح قانون جلب سرمایه گذاری خارجی و شفاف سازی مقررات اقتصادی، گام های بسیار مثبتی در جهت پیوند با اقتصاد جهانی هستند . . ."

وی همچنین یاد آور گردید. "بازارهای مالی بین المللی به دستاوردهای مثبت اقتصادی کلان ایران توجه خاصی می کنند." همزمان با این دیدار، محمد شریعتمداری وزیر بازرگانی، در سخنرانی خود در دانشگاه عالی دفاع ملی، بر ضرورت پیوستن جمهوری اسلامی به سازمان تجارت جهانی اشاره کرده، اعلام داشت؛ تدوین راهبرد بینه برای استفاده از فرصتهای مناسب، اصلاح ساختار اقتصادی و تأسیس نمایندگی تام الاختیار تجاری ایران از زمره اقدامات اساسی در حال اجرا هستند.

گسترش روابط با صندوق بین المللی پول و بانک جهانی یکی از مهمترین اصول محوری برنامه و سیاستهای رژیم ولایت فقیه بویژه در دوران خطیر و دشوار کنونی به شمار می آید. کلیه جناح بندی های حکومتی صرف نظر از تفاوتی که دارند، در زمینه سمت گیری اقتصادی- اجتماعی با تاکید بر خصوصی سازی، در پی آن هستند که به این وسیله بحران ژرف اقتصادی- اجتماعی- فرهنگی و نیز سیاسی که سراپای جامعه را فرا گرفته، تخفیف داده و یا حل کنند. طی چند هفته اخیر و به دنبال تلاش در گسترش روابط و تحکیم پیوند با مراکز غارتگر سرمایه داری جهانی مانند صندوق بین المللی پول، اعلام گردید که، بانک جهانی در برخی از طرح های شهرداری تهران مشارکت خواهد کرد. شنت گمن زاتک، نایب رئیس بانک جهانی در دیدار با ملک مدنی شهردار تهران با تاکید بر ایجاد ارتباط بیشتر با جمهوری اسلامی و مشارکت در طرح های شهرداری تهران گفت: «شهر تهران به سرعت در حال تغییر و تحول است و بانک جهانی در فرآیند توسعه و اجرای طرح های عمرانی با شهرداری تهران همکاری خواهد کرد، از جمله در بهبود سیستم فاضلاب، ارتقاء کیفیت محیط زیست، حمل و نقل و ترافیک و نیز اصلاح سیستم مالی شهرداری های چند گانه!»

بعلاوه معاون رئیس بانک جهانی در این دیدار متذکر گردید، حل مشکلات بی شمار شهر تهران در گرو حل بسیاری از معضلات سراسری است که منوط به اجرای طرح اصلاح ساختار اقتصادی ایران است. گسترش روابط با مراکز امپریالیستی عمدتاً و منحصر به شهرداری تهران نیست، صنایع نفت و گاز و پتروشیمی میهن ما بعنوان ستون فقرات صنعت و تکیه گاه عمده در آمد ارزی کشور، در این میان یک هدف اصلی شمرده می شود. بیژن نامدار زنگنه، روز یکشنبه سوم شهریور ماه سال جاری خورشیدی، در جمع خبرنگاران از فرصتهای از دست رفته در سال های گذشته برای

سرمایه گذاری در صنعت نفت و گاز به ویژه صنعت گاز انتقاد و گلایه کرد. او خاطر نشان ساخت؛ فرصتهای زیادی برای سرمایه گذاری در صنعت گاز کشور و عقد قرارداد و تعامل کردن برای صادرات گاز طبیعی در سال های گذشته، از دست رفته است.

زنگنه افزود: "بخش عمده ۱۵ قرارداد بیع متقابل امضاء شده در سال های اخیر، مربوط به قراردادهای توسعه میادین گاز کشور است، تاکنون ارزش قراردادهای منعقد شده برای فازهای ۱ تا ۸ حوزه گازی پارس جنوبی، بیش از ۸ میلیارد دلار بوده که ۳ میلیارد دلار آن توسط متخصصان و شرکتهای داخلی انجام پذیرفته است."

اما باید تاکید کرد، مهمترین و جالب ترین بخش سخنان وزیر نفت پافشاری او بر لزوم جذب و تأمین امنیت سرمایه خارجی است؛ به زعم او، گسترش صنعت پتروشیمی و استفاده از تولیدات آن به منظور صادرات به خارج در کنار صدور گاز طبیعی و مشتقات آن مستلزم اجرای دقیق برنامه اصلاح ساختار اقتصادی است که صندوق بین المللی پول اجرای آن را موکداً خواستار شده است.

همچنین، به گزارش مطبوعات مجاز جمهوری اسلامی، سازمان توانیر اعلام نموده با یک طرح ضربتی نیروگاه های برق سراسر کشور به بخش خصوصی واگذار خواهد شد. احمدیان مدیر عامل سازمان توانیر در اوایل شهریور ماه سال جاری خورشیدی، گفت: "واگذاری نیروگاه های برق کشور به بخش خصوصی در دستور کار وزارت نیرو مطابق با رهنمودهای هیات وزیران قرار دارد." به گفته وی: "مجوز نخستین مزایده یعنی نیروگاه یک هزار مگاواتی استان زنجان، صادر شده و بزودی در مهر ماه برگزار خواهد شد. برای سر و سامان دادن به تولید و انتقال برق می باید بخش خصوصی فعال شود و امور را به آن واگذار کرد. امسال (۱۳۸۱) به دلیل افزایش مصرف، ذخیره تولید برق کشور به پایین ترین حد خود در تاریخ صنعت برق رسید (۱۱؟!!)، مصرف برق در تابستان (سال کنونی-۱۳۸۱) ۲۴ هزار و ۷۰۰ مگاوات بود. تا پایان برنامه سوم توسعه، حدود ۱۱ هزار مگاوات برق در نیروگاههای ایران به بهره برداری خواهد رسید که، باید برای انتقال به سرعت بخش خصوصی را در این زمینه فعال ساخت . . ."

همه این گونه برنامه ها و تبلیغات پیرامون آن، به معنی شتاب بخشیدن به دستورات صندوق بین المللی پول و بانک جهانی است. چنین برنامه هایی تاکنون، نه تنها به برون رفت از بحران منجر نشده بلکه، بر ابعاد فاجعه بار و تکان دهنده آن بسی افزوده است.

نتایج این برنامه ها، چیزی جز پایمال شدن امنیت شغلی کارگران و زحمتکشان سقوط فاحش سطح زندگی مجموعه حقوق بگیران و رشد پدیده بیکاری نبوده و در آینده نیز نخواهد بود. از دیگر پیامدهای سیاستهای ضد ملی دیکته شده از سوی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، رکود و تعطیلی کارخانجات و مراکز تولیدی کشور است که به نوبه خود به ابعاد بیکاری می افزاید. در این خصوص به عنوان نمونه باید به برخی گزارشات منتشره در زمینه تعطیلی مراکز تولیدی اشاره کرد. بر پایه گزارشات انتشار یافته فقط در ۴ ماهه اول سال جاری خورشیدی ۷۲ واحد صنعتی در استان مازندران، ۱۶ واحد در استان آذربایجان غربی، ۱۱ واحد در آذربایجان شرقی، ۱۴ واحد در استان مرکزی، به تعطیلی کشانده شده اند. در عین حال طی همین مدت بزرگترین واحد تولیدی خوراک دام ایران واقع در استان خراسان بکلی تعطیل شد و کلیه کارگران و کارمندان آن به صف بیکاران پیوستند.

## غرفه «نامه مردم» در فستیوال احزاب برادر



### جشنواره کمونیست در

#### دانمارک

جشنواره کمونیست - نشریه ارگان حزب کمونیست دانمارک - در روزهای ۲۴ و ۲۵ آگوست امسال به روال همیشگی در شهر کپنهاگ برگزار شد. امسال، جشنواره کمونیست در شرایط گردش به راست در دانمارک که، نمونه شاخص آن پیروزی حزب نژاد پرست و خارجی

ستیز به نام "حزب مردم دانمارک" در انتخابات مجلس این کشور در سال گذشته بود، بیشترین توجه به همین دلیل به مقابله با احزاب راست و نژاد پرستی و دفاع از حقوق خارجیان ساکن دانمارک اختصاص یافته بود. شعار اصلی جشنواره "اتحاد برضد راست" بود. به ابتکار حزب برادر، احزاب چپ و مترقی دانمارک به صورت گسترده در جشنواره حضور داشتند. حزب توده ایران از جمله میهمانان دعوت شده به جشنواره بود. اعضا و هواداران حزب با برپایی غرفه که با اعلامیه ها، کتب و نشریات حزب و شعارهایی چون "آزادی برای زندانیان سیاسی"، "پیش به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری برای طرد رژیم ولایت فقیه" و کارگران همه کشورها متحد شوید" تزیین و عرضه شده بود، به شکل فعال در جشنواره حضور داشتند. علاوه بر حزب ما حزب کمونیست سوئد - حزب کمونیست نروژ - حزب کمونیست فنلاند - سازمان جوانان حزب آکل قبرس - حزب کمونیست عراق - حزب مردم فلسطین و جبهه آزادیبخش پولیساریو در جشنواره شرکت کرده بودند.

## "جهانی دیگر" میسر است

امسال جشن "صدای خلق"، نشریه هفتگی حزب کمونیست اتریش، در روزهای شنبه و یکشنبه ۳۱ اوت و اول سپتامبر، در وین، پایتخت اتریش برگزار گردید. رفیق واسترود شتیف زون، رهبر حزب کمونیست اتریش، در استان وین و میزبان جشن اعلام کرد: "با آنکه هنوز جشن به طور رسمی آغاز نگشته است ولی ده ها هزار نفر به محل برگزاری جشن آمده اند و می خواهند از برنامه های جالب و متنوع آن استفاده کنند... جشن صدای خلق که یکی از بزرگترین جشن های شهر وین است که در هوای آزاد برگزار می شود، امسال با شعار "جهانی دیگر مسیر است" افتتاح گردید. در طی جشن ۲۵ گروه هنری مختلف ساعت ها برنامه های هنری جالبی را برای شرکت کنندگان به نمایش گذاشتند. غرفه "حرف چپ" که هر ساله جمعی از شعرا و نویسندگان مترقی و کمونیست اتریش در آن به ارائه آثار خود می پردازند، با استقبال کم نظیری از سوی مردم رو به رو گشت.

واحد حزب توده ایران، در اتریش نیز از جمله میهمانان شرکت کننده در جشن صدای خلق بود. هواداران حزب در اتریش از هفته ها پیش از برگزاری جشن به تدارک هم جانبه یی برای برگزاری موفقیت آمیز جشن پرداخته بودند. غرفه "نامه مردم" که با شعارهای "با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری"، "برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم ولایت فقیه" و همچنین "آزادی برای زندانیان سیاسی" و فرخنده باد شصتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران تزیین شده بود با استقبال گرم شرکت کنندگان در جشن رو به رو شد. طی مدت جشن شمار زیادی از هم وطنان از غرفه حزب دیدن کردند و در جریان آخرین نظرات حزب توده ایران پیرامون مسایل ایران و جهان قرار گرفتند. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، حزب کمونیست عراق - اتریش، کمیته گواتمالا، خانه فرهنگ کلمبیا و پلانترم مکزیک از جمله شرکت کنندگان در دهکده همبستگی جشن صدای خلق بودند.

## ادامه جمهوری اسلامی و صندوق بین المللی

در تهران نیز برخی واحدهای تولیدی با سابقه نظیر قرقه زیبا در حالت رکود بسر می برند و بخش خصوصی دلال در صدد بلعیدن آن است. پتروشیمی اراک، ماشین سازی تبریز، لوله سازی اهواز نیز وضعیتی وخیم و نگران کننده دارند. میلیون ها تن از کارگران، کارمندان، تکنیسین ها متخصصین و مهندسان در این مراکز با شرایطی نگران آور دست به گریبان هستند و خطر بیکاری همه را تهدید می کنند. و این در حالی است که حتی گردانندگان رژیم ولایت فقیه در آمارهای خود، بر وخیم بودن اوضاع تاکید کرده و بر بیکاری چون بمبی که جامعه را منفجر خواهد ساخت، انگشت می گذارند. طهماسب مظاهری، وزیر اقتصاد با صراحت اعتراف کرده، در صورت ادامه وضعیت فعلی تا پایان برنامه سوم توسعه، شمار بیکاران از مرز ۵ میلیون نفر خواهد گذشت. در کنار بیکاری و رکود مراکز صنعتی - تولیدی، باید به یکی دیگر از پیامدهای دهشتناک برنامه های تحمیلی صندوق بین المللی پول به اقتصاد ایران اشاره کرد، یعنی افزایش سرسام آور نرخ تورم. در آخرین گزارش بانک مرکزی جمهوری اسلامی که در اواخر مرداد ماه انتشار یافته، اعلام می شود؛ نرخ تورم در خرداد ماه سال ۸۱ خورشیدی، نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۵/۹ در صد افزایش نشان می دهد. بنا به همین گزارش، شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران، در خرداد ماه ۸۱ نسبت به ماه گذشته، اردیبهشت ماه، بیش از ۱/۵ در صد افزایش پیدا کرده است.

در عین حال به ارزیابی کارشناسان اقتصادی خود رژیم، با توجه به نرخ واقعی تورم هم اکنون، هزینه یک خانوار ایرانی بالغ بر ۳۶۵ هزار تومان است. این هزینه ها با توجه به در آمد حقوق بگیران زحمتکش، نشانگر فقری سیاه است. گرانی کمر شکن در کنار بیکاری و سطح پایین در آمدها و عدم افزایش سطح دستمزدها مطابق نرخ واقعی تورم، فقر جانکاهی را به مردم میهن ما، به ویژه کارگران و زحمتکشان تحمیل کرده است و این ثمره اجرای دستورات مراکز قدرتمند سرمایه داری جهانی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی است که رژیم ولایت فقیه با خفت و خواری در اجرای آنها کوشا و ساعی است.

## ادامه سیاست های ماجراجویانه و خطرناکی که منطقه ...

سازمان ملل متحد، از سوی آمریکا مورد قبول خواهد بود. پاول اشاره کرد که آمریکا حاضر نیست برای ماه ها منتظر مانورهای عراق و بی عملی سازمان ملل باشد.

حزب توده ایران همان طوری که قبلا نیز اعلام کرده است مخالف سرسخت جنگ و مداخله نظامی ناتو و آمریکا در منطقه خاورمیانه است. امروز برای اکثریت قاطع کشورهای و مردم جهان روشن است که سیاست های دولت آمریکا در منطقه با هدف تحمیل نظم نوین جهانی در منطقه و تأمین منافع دراز مدت آمریکا، خصوصا در زمینه تأمین انرژی و به مرحله اجرا گذاشته می شود. شمار زیادی از مفسران سیاسی و همچنین نیروهای مترقی و اندیشمندان متعهد به حقوق بشر، در جهان و منطقه به درستی اشاره می کنند که بسیاری از اتهامات جورج بوش بر ضد دولت عراق، از جمله داشتن سلاح های امحای جمعی، حمله و اشغال کشورهای مجاور و همچنین زیر پا گذاشتن مداوم قطعنامه های سازمان ملل متحد درباره عملکرد دولت اسرائیل نیز صادق است. ولی آمریکا نه تنها نقشه حمله نظامی به اسرائیل را تدارک نمی بیند، بلکه صدها میلیارد دلار اسلحه در اختیار دولت این کشور قرار داده است.

حزب توده ایران معتقد است که هرگونه ماجراجویی نظامی می تواند ثمرات فوق العاده خطرناکی به همراه داشته باشد. منطقه خاورمیانه همچون بشکه باروتی است که در صورت بروز درگیری های نظامی می تواند تمامی منطقه را درگیر جنگ و خونریزی وسیع نماید. مسأله رسیدگی به زیر پا گذاشتن قطعنامه های سازمان ملل توسط عراق و دیگر کشورها، بی شک مسأله مهمی است که سازمان ملل متحد باید به آن رسیدگی و تصمیمات لازم در این زمینه را اتخاذ کند ولی دادن اولتیماتوم به سازمان ملل در واقع نشانگر بی اعتقادی دولت بوش به این نهاد بین المللی و اتخاذ سیاست های برتری طلبانه بی است که در سال گذشته در عرصه های مختلف، از جمله خروج یکجانبه آمریکا از کنوانسیون های گوناگون بین المللی خود را به نمایش گذاشته است.

سرنوینی و از بین بردن رژیم دیکتاتوری و ضد مردمی صدام حسین وظیفه بی است که تنها و تنها باید توسط مردم این کشور تحقق پذیرد و نه هیچ نیروی خارجی. حزب ما در این زمینه هم زبان با نیروهای مترقی عراق، از جمله حزب کمونیست عراق مخالف سرسخت مداخله نظامی در عراق و خواهان سپردن سرنوشت این کشور به مردم عراق است.

حمله نظامی آمریکا به عراق بی شک تأثیرات مهمی بر دیگر کشورهای منطقه، از جمله میهن ما بر جای خواهد گذاشت. ما در هفته های گذشته شاهد آن بوده ایم که نیروهای ارتجاعی و تاریک اندیش با بهره جویی از خطر دخالت آمریکا در منطقه و همچنین ایران، روند اصلاحات را مورد تهاجم وسیع جدیدی قرار داده اند و با پنهان شدن پشت شعار "حفظ امنیت ملی" تمامی نیروهای دگراندیش را به پیروی بی چون و چرا از رژیم ولایت فقیه فرا خوانده اند. بی شک تشدید بحران در منطقه و آغاز عملیات نظامی می تواند به عنوان بهانه بی از سوی ارتجاع برای درهم کوبیدن نهضت مردمی مورد استفاده قرار گیرد. مردم ما فراموش نکرده اند که چگونه آغاز جنگ تحمیلی ایران و عراق، که دولت صدام به تحریک آمریکا و انگلیس بر ضد انقلاب ایران آغاز کرد به بهانه بی برای به مسلخ بردن انقلاب بدل شد و چگونه هشت سال جنگ خامن سوز توانست افزون بر خسارات فاجعه بار جانی و مالی به یکی از اهرم های عمده شکست انقلاب مردم میهن ما تبدیل شود. حزب ما و دیگر نیروهای مترقی منطقه نمی توانند نسبت به مواضع جنگ طلبانه بی که از جمله میهن ما را تهدید می کند سکوت کنند. سیاست آمریکا در قبال عراق و دادن اولتیماتم به شورای امنیت و سازمان ملل متحد دور خطرناکی از اعمال روش های دیکتاتور متشانه و برتری طلبانه در عرصه بین المللی است که در انتها تنها به بی ثباتی بیشتر منطقه و بهم ریختن روابط بین المللی منجر خواهد شد. حزب توده ایران در کنار سایر نیروهای مترقی و صلح دوست جهان معتقد است که تنها افکار عمومی جهان است که می تواند مانع آغاز جنگ جدیدی در منطقه شود.

## ادامه گردهمایی زمین ...

پیش به نفع کاندیدای حزب جمهوری خواه، جورج بوش، دانسته و تقبیح کردند. عملکرد دولت ایالات متحده یکبار دیگر موضع برتری طلبانه خود در رابطه با بقیه جهان را به نمایش گذارد و ثابت کرد همانگونه که در رابطه با موافقتنامه کیوتو در رابطه با حفظ محیط زیست نشان داد اهمیتی برای افکار عمومی جهان قائل نیست.

ارزیابی گردهمایی جهانی ژوهانسبورگ در رابطه با دستاورد های دوره دهسال گذشته نمایشگر این بود که میزان کمک برای توسعه تقلیل یافته، فاصله بین کشورهای فقیر و غنی افزایش یافته، تنوع زیستی در معرض تهدید است، و شرایط جوی و اقلیمی جهان شدیداً دگرگونه و غیرقابل پیش بینی شده است. در حالی که برخی از گردهمایی های بین المللی، که کنفرانس کیوتو برجسته ترین آن ها می باشد، موفق شدند که به موافقتنامه های موثری در مبارزه با اثرات جنبی تولید صنعتی مدرن و جنگل زدایی دست بیابند، کشورهای ثروتمند و پیشرفته سرمایه داری از قبول تعهدات خود در رابطه با آن ها و به اجرا گذاشتن اقدامات و سیاست هایی که برای حصول نتیجه مشخص ضروری بود، سرباز زده اند. سرعت گرفتن روند "جهانی شدن" عملاً شرایطی را به وجود آورد که کمپانی های عظیم صنعتی به عوض تعطیل پروسه های تولید مضر برای محیط زیست آن ها را با تمامی پیامد های آشکار آن به کشورهای کم توسعه و نیاز مند به سرمایه گذاری مستقیم خارجی منتقل کرده اند. نمایندگان کشورهای در حال رشد و نیروهای مترقی در ژوهانسبورگ اثبات کردند که اثرات مخرب تولید سرمایه داری نه فقط تعدیل نیافته بلکه در آستانه هزاره سوم ابعاد جهانی و فراگیر یافته است. در حالی که میزان آگاهی نسبت به ارتباط بین محیط زیست و توسعه اقتصادی تقویت شده و بخش قابل توجهی از افکار عمومی جهان از خواست تغییرات ضرور اجتماعی - اقتصادی برای حفظ تعادل اکولوژیک جهان هستی حمایت می کنند، تصمیم گیری های سیاسی نئولیبرالی تغییری نیافته اند. بحث های گردهمایی زمین در ژوهانسبورگ فاش کرد که میزان کمک به کشورهای در حال رشد کاهش یافته است و در ابتدای قرن بیست و یکم تعداد کثیری از مردم جهان در این کشورها حتی دسترسی به آب آشامیدنی سالم ندارند.

## دستاوردها

در ارزیابی نتایج گردهمایی زمین که انرژی فراوانی در تدارک و سازماندهی آن صرف شده بود، به موازات عقب گردها و عدم موفقیت در برخی زمینه ها نمی توان بر دستاورد های قابل توجه آن چشم پوشید. از دستاورد های گردهمایی که در اسناد نهایی آن منعکس شده است باید به موافقتنامه در مورد کاهش فقر به موازات اقدام به حفظ محیط زیست اشاره کرد. هدف این موافقتنامه کاهش تعداد شهروندانی که در آمد سرانه آنان کمتر از یک دلار در روز است، به نصف تعداد کنونی تا سال ۲۰۱۵، در چهارچوب حفظ منابع اولیه جهان بر اساس یک برنامه توسعه پایدار می باشد. نکات اصلی این موافقتنامه متوجه:

- ❖ ایجاد یک سیستم بهداشتی مناسب با هدف کاهش آن بخش از جمعیت جهان که دسترسی به آب آشامیدنی سالم و سیستم فاضلاب مناسب و استاندارد ندارند به نصف تعداد کنونی تا سال ۲۰۱۵
- ❖ اقدام برای دسترسی یافتن به منابع انرژی ارزان (ایالات متحده در مقابل تعیین هدف های مشخص برای افزایش سهم منابع تولید "انرژی سبز" (نظیر استفاده از انرژی خورشیدی و باد) در کل انرژی مصرفی جهان مقاومت می کرد



## ادامه گردهمایی زمین...

این تر کردن مواد شیمیایی تا سال ۲۰۲۰ از طریق بکارگیری سیستم هایی که اثرات شدیداً زیان آور این مواد بر انسان و محیط زیست را کاهش می دهند

❖ موافقتنامه سازمان تجارت جهانی در مورد حق ثبت اختراع با هدف کمک به کشورهای فقیر در رابطه با تهیه دارو برای همه

❖ تسهیل برخورداری زنان به پوشش بهداشتی که در تطابق با حقوق پایه ای بشر و ارزش های مذهبی و فرهنگی باشد

❖ تصریح اینکه جهانی شدن هم جوانب منفی ای نیز دارد که بی توجهی به آن فاجعه آمیز می باشد. که به موازات فراهم آوردن شرایط رشد اقتصادی در جهان و استاندارد بالاتر زندگی، کشورهای فقیر با مشکلاتی مواجه هستند که در رابطه با آنان باید مورد حفاظت قرار بگیرند

موضوع منفی و مخرب دولت آمریکا در رابطه با موافقتنامه نهایی مورد انتقاد شدید "دوستانان زمین" قرار گرفت، کارزار بین المللی دفاع از محیط زیست، در بیانیه ای در خاتمه گردهمایی زمین کوشش های ایالات متحده برای کارشکنی با موافقتنامه های نهایی را محکوم کرد. "دوستانان زمین" موضوع جورج بوش برای تضعیف و خرابکاری در مورد "مذاکره در رابطه با لزوم مواخذه کمپانی ها در ژوهانسبورگ از طریق تاکتیک های پشت پرده" را تقبیح کرد. هدف این مذاکره توسعه و تقویت قوانین بین المللی لازم الاجرا در رابطه با برخورد مسئولانه کمپانی ها با محیط زیست بود. پرزیدنت بوش از صدر جلسه مذاکره در مورد "جهانی شدن" و تجارت خواستار یک "سند تفسیر" شده بود که عملاً همه کشورها را به قبول "تفسیر" ایالات متحده از موافقتنامه موظف می کرد.

گردهمایی زمین در ژوهانسبورگ بار دیگر به وضوح نشان داد که در ابتدای هزاره سوم حاکمیت سرمایه داری در تضاد با آرمان ها و خواسته های مدافعان محیط زیست و نهایتاً آینده کره زمین قرار دارد. نمایندگان انحصارهای بزرگ سرمایه داری با مقاومت در مقابل قبول هرگونه تعهد مشخصی در رابطه با کاهش صدور گازهای مضر و یا تغییر و کنار گذاری تکنولوژی ها و شیوه های تولید مضر به محیط زیست و در عوض حمایت از موافقتنامه های ضعیف و "داوطلبانه" و نه "لازم الاجرا" بی باوری خود به ضرورت اقدام عاجل به جلوگیری از فاجعه اکولوژیک را به اثبات رساندند.

## ایالات متحده، مردم برزیل و انتخابات برزیل

با نزدیک تر شدن به انتخابات ریاست جمهوری در برزیل، ایالات متحده در تلاش است تا با گسیل ماموران ویژه خود، نتیجه انتخابات را به نفع حامیان منافع آمریکا در برزیل تغییر دهد.

در چند هفته اخیر دو تن از مسئولین مهم دولتی، از سوی آمریکا به برزیل اعزام شدند تا با بررسی شرایط، راه ها و شیوه های لازم را برای کنترل انتخابات و چگونگی پیروز شدن کاندیدای خودی را بررسی کنند.

"اتور ریچ"، معاون منشی دولت در امور آمریکای لاتین و "پائول اونیل" در رابطه با مسایل گوناگون، دیدارهای جداگانه ای داشتند، اما هر دو یک هدف را دنبال می کردند.

اولی برای بدست آوردن اطلاعات از شرایط سیاسی موجود و جمع آوری عناصر لازم برای آنالیز رژیم آینده و اینکه چگونه می تواند سیاست های آمریکا را در برزیل به اجرا در آورد، آمده بود. "اونیل" نیز در شرایطی آمده بود که بحران اقتصادی هر چه عمیق تر شده بود و لازم بود تا دستورات لازم برای برنامه های انتخاباتی را در شرایط بحرانی ابلاغ کند.

ایالات متحده نمی تواند نسبت به انتخابات برزیل بی تفاوت باشد. مسیر انتخابات در برزیل باید تامین کننده نظر آمریکا باشد تا این کشور بتواند سیاست های جهانی خود را بر این نیم کره نیز تحمیل کند.

سیاستی که سبب شده تا قرن حاضر قرن ایالات متحده نامیده شود، سیاستی که بر دو پایه اصلی استوار است. نخستین آن، ایجاد شرایط لازم و مطمئن برای گردش آزادانه سرمایه در اقتصاد همه کشورهای جهان است، آنچه که به قیمت از بین رفتن اقتصاد ملی کشورها و رشد مستقل اقتصادی آنها خواهد شد. دومین اصل، "مبارزه با تروریسم" خوانده شده است، آنچه که امپریالیسم به بهانه آن، به مقابله و سرکوب نیروها و جنبش های انقلابی، دولت های مردمی و ملی، پرداخته است. به مانند وقایع ونزوئلا و تحریکات دائمی علیه تنها کشور سوسیالیستی قاره آمریکا، کوبا، است. این بخش از استراتژی ایالات متحده، متوجه و برآمده از سیاست های آمریکا در حمایت از دولت های نئولیبرال و ایجاد "گروه برگزیده ها" است که نتیجه آن تحدید حقوق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در این کشورها خواهد بود. "واشنگتن هرالد" در تحلیلی از موقعیت کشورهای آمریکایی، این واقعت را به طور ضمنی افشا می کند

که آن کشورها یا با قبول شرایط آمریکایی می توانند روابط موجود را در رابطه با ایالات متحده ادامه بدهند و یا این که در لیست کشور های "خاطی" قرار خواهند گرفت. ایالات متحده برای حفظ موقعیت خود و نفوذ هرچه بیشتر در کشورهای آمریکایی، سیاست های ضد بشری گوناگونی را تا کنون به کار برده است. ایجاد سازمان تجارت آزاد منطقه آمریکا (FTAA)، "مبارزه با تروریسم"، طرح کلمبیا، تحریم اقتصادی علیه کوبا، کودتا در ونزوئلا و غیره. هدف همیشه این بوده تا کسی قربانی سیاست های ایالات متحده شود. حرکت های سیاسی آمریکا در رابطه مستقیم با اقتصاد بحران زده این کشور و روند رکود اقتصادی در جهان، صورت می گیرد. نسخه پیچیده شده نئولیبرالیستی برای کشورهای آمریکایی به خوبی عواقب مخرب اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود را نشان داده است. رکود تولیدات، بیکاری عمومی و فزاینده، کاهش درآمد واقعی زحمتکشان و بحرانهای اقتصادی متوالی از نتایج این نسخه هاست. نمایندگان دولت ایالات متحده و صندوق بین المللی پول با ماموریت های سری وارد برزیل شده اند تا اقتصاد آتی این کشور را طراحی کنند و از هم اکنون در صدد هستند تا کاندیداهای مختلف را وادار به پذیرش شرایط تحمیلی کنند. شرایطی که اقتصاد ورشکسته این کشور را هرچه بیشتر به سقوط می کشاند. آنچه که بدبختی و فقر و بیچارگی برای مردم برزیل و "سود" برای آمریکا به همراه خواهد داشت. در چنین شرایطی است که این درس تاریخی به وضوح دیده می شود که هر آنچه که برای ایالات متحده خوب است، نافی منافع مردم در این منطقه است.

تجربه نشان داده است که ایالات متحده هیچگاه خواستار گفت و گو و بستن قرارداد با دولت های مستقل نیست و تنها مایل به داشتن رابطه با نوکران و "مستعمرات" خود است.

انتخابات آتی نیز مرحله ای مهم در تاریخ مردم برزیل است که آیا می توانند در مبارزه خود برای رهایی دست رد به سینه سیاست های چپاولگرانه ایالات متحده در این کشور بزنند یا اینکه شرایط اقتصادی و سیاسی مهلك تری را بر پیکر برزیل ببینند.

## گردهمایی زمین: شاهدی نو بر تضاد سرمایه داری و حفظ محیط زیست

❖ ایجاد يك سازمان بین المللی برای حفظ محیط زیست و از جمله ساختاری با مسئولیت در رابطه با فراهم کردن آب آشامیدنی سالم

فراهم آوردن شرایط لازم برای حصول چنین دستاوردهایی از یکسو مستلزم سیاستگذاری مناسب ملی در همه کشور ها در رابطه با محیط زیست، سوخت و انرژی، آب و چگونگی جمع آوری و از بین بردن فضولات خانگی و صنعتی و از سوی دیگر در رابطه با کمک به توسعه و ایجاد نوعی شهروند نوین از طریق آموزش و گسترش آگاهی می باشد.

گردهمایی ژوهانسبورگ همانگونه که پیش بینی می شد به صحنه مبارزه بین نیروهای مترقی از یکسو و سران کشورهای سرمایه داری پیشرفته و نمایندگان انحصار های چندملیتی از سوی دیگر شد. سرباز زدن کشورهای پیشرفته سرمایه داری به اجرای تعهداتی که ۱۰ سال پیش در گردهمایی زمین تقبل کرده بودند و کوشش آن ها برای از محتوی خالی کردن هرگونه تصمیم تصحیح کننده ای در رابطه با اثرات مخرب جنبی تولید سرمایه داری برای محیط زیست موضوع محوری بحث های گردهمایی و مورد انتقاد نیروهای ترقی خواه و کشورهای جهان سوم بود.

تابو میکی، رئیس جمهوری آفریقای جنوبی که از سوی نمایندگان رسمی ۲۰۰ کشور شرکت کننده به مقام صدر گردهمایی انتخاب شده بود در سخنرانی خود در مراسم به سختی سرمایه داری و جهانی شدن را به دلیل نقش مخرب شان در نابود کردن منابع طبیعی و بی توجهی به لزوم اتخاذ سیاست های آگاهانه در راستای حفظ محیط زیست مورد انتقاد قرار داد. پرزیدنت میکی به جهان در رابطه با خطر سقوط به "بدوی ترین شرایط بقا در دنیای حیوانات، یعنی بقای قوی ترین" اعلام خطر کرد و گفت: "یک جامعه انسانی بر پایه فقر اکثریت و ثروت تعدادی قلیل، نظیر جزیره های ثروت که در محاصره دریایی از فقر باشند، پایدار نخواهد بود."

انتقاد شدیداللقن سام نجوما، رئیس جمهور ترقی خواه نامیبیا، از موضع استعمارگرانه کشورهای سرمایه داری در قبال آفریقا و حمله مستقیم او به تونسی بلیر، نخست وزیر انگلیس، در رابطه با مداخله در اوضاع داخلی زیمبابوه نمایشگر جو گردهمایی بود.

پرزیدنت جورج بوش به توصیه مشاوران سیاسی خود و مدیران عالی رتبه صنایع بزرگ آمریکا با هدف بی اهمیت جلوه دادن گردهمایی زمین و ایجاد زمینه برای بی توجهی به موافقتنامه های مصوب آن از شرکت در گردهمایی سرباز زد و به عوض وزیر خارجه خود، کالین پاول، را به ژوهانسبورگ فرستاد. جمع وسیعی از شرکت کنندگان در گردهمایی زمین مواضع خرابکارانه دولت آمریکا را منعکس کننده نفوذ یکپارچه کمپانی های نفتی و تسلیحاتی در آن و نقش محوری این کمپانی ها در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در دو سال

"گردهمایی زمین برای توسعه پایدار" در روز های ۴ الی ۱۴ شهریور در ژوهانسبورگ پایتخت آفریقای جنوبی برگزار شد. حضور ۲۰۰۰۰ نمایندگان رسمی دولت ها، نیروهای سیاسی و سازمان های غیردولتی در بین ۶۰۰۰۰ نفری که برای شرکت در این گردهمایی مهم به آفریقا سفر کرده بودند، نشان دهنده اهمیت حیاتی بحث ها و تصمیم گیری های این اجلاس برای آنانی بود که دل نگران آینده کره ارضی می باشند. گردهمایی ژوهانسبورگ که دهسال پس از اجلاس مشابهی در ریودوژانیرو برگزار می شد وظیفه بررسی راه پیموده شده، موافقت در مورد طرق پیشبرد بحث در رابطه با حفظ محیط زیست، بازنگری در رابطه با سطح مورد قبول صدور گاز های مسموم از صنایع، تحقیق و توسعه منابع تولید انرژی جایگزین سیستم های مبتنی بر سوخت های فسیلی و ارتباط بین تولید سرمایه داری و لطمه به محیط زیست را به عهده داشت.

گرد همایی زمین دهسال پیش در ریودوژانیرو دور نمای امیدوارکننده ای را بر روی مردم جهان بشارت داده بود. سران کشور ها از تریبون گردهمایی تعهد خود را به اتخاذ سیاست هایی که حفظ محیط زیست و آینده کره ارضی مان را در رابطه با توسعه اقتصادی درمد نظر داشته باشند، اعلام کرده بودند. این سیاست ها قرار بود که روندی را که موجب تغییرات غیر قابل پیش بینی شرایط جوی و آب و هوا، سوراخ شدن لایه اوزون و اثرات مخرب محیطی شده بود، معکوس کند. تعهد کشورهای سرمایه داری پیشرفته در کمک به توسعه کشورهای جهان سوم و قبول این حقیقت که بدون سیاست فعالی در رابطه با استفاده از تکنولوژی هایی که مضر نبودنشان برای محیط زیست و حفظ تنوع زیستی اثبات شده است و یاری به کشورهای توسعه نیافته برای دستیابی به این تکنولوژی ها در مرکز موافقتنامه های گردهمایی ریودوژانیرو قرار داشت.

### خواسته ها

نمایندگان اکثر کشورهای جهان و نیرو های طرفدار حفظ محیط زیست با درکی دقیق از عاجل بودن لحظه و لزوم اتخاذ تصمیم در رابطه با اقدامات ضروری و وقفه ناپذیر بودن آن ها به ژوهانسبورگ سفر کرده بودند. از جمله چنین اقداماتی به موارد زیر باید اشاره کرد:

- ❖ لغو فوری بدهی های کشورهای توسعه نیافته و فقیر،
- ❖ افزایش میزان تخصیص یافته به کمک عمومی در بودجه کشورهای پیشرفته سرمایه داری در راستای توافق ریودوژانیرو به ۷/۰ درصد تولید ناخالص ملی این کشورها،
- ❖ ایجاد مکانیزم هایی برای استفاده شفاف و دموکراتیک این کمک، رفورم های ساختاری در صندوق بین المللی پول،
- ❖ اتخاذ يك برنامه اضطراری برای جلوگیری از گسترش بیماری ایدز که اکنون در آفریقا بیدار می کند
- ❖ تقویت پیشنهاد های کیوتو برای اتخاذ تصمیم در مورد اقدامات موثر برای کاهش صدور گاز های مضر برای محیط زیست
- ❖ قبول موراتوریوم در مورد تولید و فروش بذر هایی که از طریق ژنتیکی مورد تغییر قرار گرفته اند و سازماندهی يك بحث بین المللی در رابطه با اثرات و آینده تغییرات ژنتیکی محصولات کشاورزی
- ❖ اختصاص منابع بیشتری به تحقیقات علمی مستقل از نفوذ و کنترل شرکت های بزرگ کشاورزی-صنعتی

ادامه در صفحه ۶

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

15 September 2002

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

**Nameh Mardom-NO 643**  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام

790020580 شماره حساب

10050000 کد بانک

Berliner Sparkasse بانک